

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی نقش مادر در تربیت اسلامی و اصلاح جامعه

پدید آورنده : کبری زمانی^۱

^۱ . طلبه حوزه علمیه حضرت معصومه (س) ، رودبار .

چکیده

تحقیق حاضر پیرامون (بررسی نقش مادر در تربیت اسلامی و اصلاح جامعه) می باشد . برجسته ترین نقش مادر در محیط خانواده و اجتماع، نقش تربیتی است. چگونگی رفتار مادر با فرزند در شکل دهی ساختار شخصیتی او تأثیری چشم گیری دارد. مقاله حاضر اصل و اساس را تنها اصلاح متربی نمی داند بلکه دید تحقیقاتی آن به این نحو است که آنچه شایسته می باشد در وهله اول باید در مادر تقویت شود تا بتواند قابل انتقال به فرزندان خویش باشد یعنی با توجه به ویژگی های مادری که الگوست به نقش مادر در تربیت دینی و اصلاح جامعه پرداخته است و بر این نکته تاکید دارد که نقش مادری، مهارتی است همراه با مبانی دقیق که در وجود زن نهاده شده که غفلت و اشتباه در آن موجب فساد و تباهی جامعه و مراقبت از آن، جامعه ای خیرخواه و متکامل پدید می آورد. اخلاق فردی مادر از قبیل؛ ایمان، نظم، عفاف، قناعت و صبر میتواند تاثیر مهمی بر روحیه فرزندان داشته باشد همانطور که تاثیر اخلاق اجتماعی مادر – تکریم، خوش خلقی، احسان و مسولیت پذیری- نیز بر فرزندان غیر قابل انکار است . این پژوهش با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و با دید توصیفی- تحلیلی به کاوش و مطالعه داده ها پرداخته است .

کلید واژه ها : تربیت اسلامی، اصلاح جامعه، مادر ، فرزند

پدر و مادر هر کدام به نوبه خود تأثیر خاصی در تربیت صحیح فرزند دارند اما در این میان نقش مادر پررنگ تر است، چرا که بیش از پدر مرتبط با فرزند بوده و آنچه که باید بیش از پیش مد نظر قرار گیرد اخلاق و رفتار مادر است، چرا که تربیت دینی فرزندان توسط مادر سبب اصلاح جامعه و تحکیم خانواده می گردد. در تربیت دینی و اسلامی پرهیزکاری رأس هر امر، افضل اعمال و مورد محبت خداست مهم این است که مادر در مسیر تقوای الهی باشد و تربیتش را بر اساس پرهیز از گناه و عبادت خداوند متعال قرار دهد، بنابراین اخلاق فردی و اجتماعی مادر در تربیت دینی فرزند بسیار تأثیر گذارند. که در این پژوهش به برخی از آنها پرداخته خواهد شد.

بر اساس تعالیم دینی، گرامی داشتن مقام مادران مایه ورود به بهشت است؛ چنان که خط مشی و کیفیت رفتار مادر در تربیت فرزند وارسته اهل بهشت، نقش تعیین کننده دارد و پاسخ گویی صحیح به نیازهای کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می دهد. وظیفه و کار مادر، دست کم از نخستین لحظه بارداری، شروع و تا پایان دوره اساسی تربیت ادامه دارد. مادر در این مدت مسئول پرورش جسمی، عقلی، عاطفی و اخلاقی فرزند است. بنابراین، تبیین وظایف و نقش مادر در قبال خود، شوهر، فرزند، جامعه و پروردگار ضرورت دارد تا از این مسائل غفلت نگردد.

اهداف این پژوهش؛ ترسیم نقش های مهم مادر در اصلاح جامعه است چرا که مسئولیت پرورشی ویژه ی فرزندان را به عهده دارد، و از تربیت فرزندان به اصلاح جامعه می رسیم. فهم صحیح از تربیت دینی توسط مادران و جدی گرفتن نقش آنها در این مقوله برای رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی از اهم اهداف این تحقیق می باشد و غفلت از نقش مادران و عدم توجه به آن سبب افساد خانواده و جامعه می شود که شقاوت فردی و اجتماعی را به بار خواهد آورد.

البته توجه به مسائلی از قبیل دوران بارداری و شیردهی مادر و همچنین تغذیه حلال و مناسب مادر و فرزندش مهم بوده و باید مادران بدانند که آغاز تربیت فرزند بهتر است از همان دوران کودکی و طفولیت باشد. اما آنچه در این پژوهش مورد تاکید قرار گرفته است ابعاد فردی و اجتماعی اخلاق مادر در تربیت صحیح دینی و معنوی فرزند است از قبیل احترام گذاشتن، عبادات، نظم، عفاف و ... است.

تربیت اسلام: اسلام به مقوله تربیت بسیار اهمیت می دهد و در تمام مراحل زندگی شیوه های تربیتی را گوشزد می کند، در واقع واژه تَرْبِیَّت؛ یک اصطلاح اخلاقی است و قهرا در فلسفه و تصوف هم به کار می رود. و در فنون مختلف و همین طور در ملت ها و اقوام و جوامع مختلف اصول آن متفاوت است نزد اهل شرع، نزد اهل فلسفه و نزد عارف، به عقیده اخوان الصفا مجموع اموری که در سازندگی شخصیت روحانی انسانی مدخلیت دار تربیت نامیده میشود، و لکن تربیت صنفی چیز دیگر است که مربوط به نوع فن و تجربه آموزی در آن فن می شود و شاگردی به نزد استاد فن را تربیت در آن فن نامند. اخوان الصفا در باب تربیت اطفال افکار و عقاید جالب دارند و آن را در سطح کلی انسانی می نگرند.^۱

برای تعلیم و تربیت اسلامی، تعاریف بسیاری کرده اند، از قبیل :

۱- انتقال معلومات و مهارتها؛ ۲- تشکیل عادات و صفات معین در فرد؛ ۳- به فعلیت رسانیدن قوا و استعدادهای انسان؛ ۴- آماده کردن فرد برای زندگی در اجتماع معین؛ ۵- ایجاد محیط مساعد برای ارضاء رغبت های فرد؛ ۶- رشد قوه قضاوت صحیح؛ ۷- راهنمایی جنبه های مختلف رشد شخصیت فرد .

در تعاریف فوق، هر یک از تعریف ها از لحاظ شمول و فراگیری نسبت به دیگری بیشتر بوده و به نظر می رسد در بین آنها آنچه که با دید جامع تری به این مقوله نگاه شده و با دیدگاه اسلام تناسب داشته همان تعریف هفتم است ؛ از این رو می توان گفت که تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، چیزی غیر از هدایت نیست. البته هدایتی که به انتخاب آزادانه هدایت شونده منجر می شود چرا که انسان یک موجود پویانده و آزاد است و چنانچه این ویژگی در انسان نبود، نه حرکتهای غلطش ملامت داشت و نه حرکت های صحیحش قابل ستایش و تمجید بود، و همچنین کيفر و پاداش معنا پیدا نخواهد کرد. این آزادی را باید مربی به مربی یاد بدهد. در واقع وظیفه مربی این نیست که دست و پای مربی را ببندد و او را آن چنان محدود و محصور کند که مطابق میل وی عمل نماید. که در این صورت مربی نخواهد توانست رسالت خود را به خوبی انجام دهد. زیرا با سلب آزادی هر آنچه به او تعلیم دهد یکنوع تحمیل بر او خواهد بود و حق انتخاب را برای او محترم نشمرده است. اما در تربیت اسلامی این نکته کاملاً رعایت می گردد چون نظر به این است که انسان هدایت بشود، حد اکثر آزادی و دموکراسی باید لحاظ شود، قرآن کریم می گوید: (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) در دین اکراه و اجبار نیست. دین را نمی شود بر مردم تحمیل کرد. باید هدایت کرد که مردم راه را و هدف را بشناسند و با کمال آگاهی در مسیر

^۱ . سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۱، ص: ۵۰۶

کمال به تکاپو درآیند. بدون اینکه از آنها سلب آزادی بشود. آنها باید بدانند که اگر در مسیر صحیح حرکت کنند، سرفراز می شوند و اگر در مسیر غلط حرکت کنند، گرفتار می شوند. انتخاب به دست خود آنهاست.^۱

باید برای برقراری صلح واقعی و آرامش حتمی، و اطمینان خاطر، و استیفا و ایفای حقوق به دنبال دستیاری رفت که به کمک عقل برخاسته انسان را در ظاهر و باطن و در تنهایی و آشکار آرام سازد، و آن دستیار چنانچه تجربه در تاریخ ثابت کرده جز راه خدا و دین الهی چیزی نیست که انسان را با مراقب بیداری آشنا ساخته و در سایه این آشنایی انسان را از هر گونه انحراف باز داشته، و فعالیت‌های جسم و جان را در مسیر واقعی قرار می‌دهد. در سایه تربیت دینی فکر آدمی بر مبنای صحیحی با درک واقعیات نائل می‌آید و پس از فکر درست کار اساسی از انسان سر می‌زند و به دنبال آن آرامش و اطمینان می‌آید.^۲

اصلاح جامعه

جامعه از واژگانی همچون جمع و اجتماع مشتق شده است، واژه اجتماع ضد افتراق است. ابن سینا گوید: (اجتماع عبارت از وجود اشیاء متعددی است که معنی واحدی آنها را در بر گیرد و افتراق مقابل آن است).^۳ معنی واحدی که در تعریف ذکر شد اشاره به وجه اشتراک افراد یا اشیاء هر اجتماعی دارد که محور و ایجاد اجتماع به آن است، خواجه نصیرالدین طوسی درباره اجتماع و تمدن می‌گوید: (الانسان مدنی بالطبع یعنی محتاج بالطبع الی الاجتماع المسمی بالتمدن) انسان طبعا مدنی است یعنی طبعا نیازمند به اجتماعی است که تمدن خوانده می‌شود.^۴ ایشان در ادامه از قول ارسطاطالیس مینویسد: انسان مدنی یعنی انسانی که قوام تمدن بر وجود او و امثال او صورت بندد.^۵ پس اگر این مقوله در انسان اصالت نداشت اجتماعی محقق نمیشد چرا که همانند کل و اجزاء آن است اگر تک تک افراد جامعه دور هم جمع نشوند اجتماعی صورت نخواهد گرفت.

^۱ . بهشتی، تربیت از دیدگاه اسلام، ص: ۵۲

^۲ . انصاریان، لقمان حکیم؛ ص ۱۸۱

^۳ . ابن سینا، الحدود ص: ۲۵۹- حد الاجتماع: هو وجود اشیاء کثیره یعمها معنی واحد؛ و الافتراق مقابله.

^۴ . طوسی، اخلاق ناصری، ص ۲۱۰

^۵ . همان؛ ص ۲۱۲

است و از جهاتی شایستگی همسری را دارد، ولی بد اخلاق است چه کنم؟ حضرت در پاسخ فرمود: اگر بد اخلاق است به او زن نده. و نیز برای ما روایت شده که حسن خلق از دو جهت ممکن است باشد یکی اینکه شخص ذاتا و به حسب طبع و خلقت خوش خلق است و دیگر اینکه از لحاظ تربیت دینی خود را موظف به خوش خلق بودن میداند و لذا با نیت و تصمیم خوش خلقی را انتخاب میکند که این دومی برتر و ارزش آن بیشتر است و نیز برای ما روایت شده هیچ گاه انسان از تصمیم گیری عاجز و ناتوان نخواهد بود هر تصمیمی را میتواند بگیرد.^۱

از طرفی دیگر مهمترین عواملی که سبب تقویت دوستی و محبت اهل ایمان می‌شوند و به وسیله آنها مسؤولیت مومنان نسبت به یکدیگر و پیوند آنان باهم معنا می‌یابد عبارتند از: مهرورزی، عطوفت و گرمی داشتن یکدیگر است. قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) و پیروان آن حضرت را با وصف مهربانی و رحمت و عطوفت نسبت به یکدیگر معرفی می‌کند و وظیفه مسلمانان است که به این کمال خود را متصف و به آن حضرت و کسانی که با اویند تأسی کنند: (مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ ... رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)^۲ (محمد رسول خدا، و کسانی که با اویند ... میان خودشان مهربانند). امام ششم (ع) به اصحاب خود می‌فرمود: (اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً، متحابین فی الله، متواصلین، متراحمین.)^۳ از خدا پروا کنید و برادرانی خوش رفتار باشید، به خاطر خدا باهم دوستی کنید و پیوستگی داشته باشید و به هم مهر ورزید. خداوند، اهل ایمان را چنین می‌خواهد و بدان دستور داده است، چنانکه در حدیث امام صادق (ع) آمده است: (تواصلوا و تباروا و تراحموا و کونوا إِخْوَةً بَرَّةً کَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ).^۴

و خداوند در قرآن می‌فرماید: (وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً)- کلمه مودت تقریبا به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، در نتیجه نسبت مودت به محبت نسبت خضوع است به خشوع، چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تاثیر نفسانی است، که از مشاهده عظمت و کبریایی در دل پدید می‌آید. "رحمت"، به معنای نوعی تاثیر نفسانی است، که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد، و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید، و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند. یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت

۱. مجلسی، ترجمه بحار الأنوار؛ قسمت سوم از جلد پانزدهم؛ ج ۱؛ ص ۲۱۲.

۲. سوره فتح/ ۲۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۳۹.

ملازم یکدیگرند، و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچکتر را رحم می‌کنند، چون در آنها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند، و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حوائج ضروری زندگی خود را تامین کند.

لذا آن محبت و مودت وادارشان می‌کند به اینکه در حفظ و حراست، و تغذیه، لباس، منزل، و تربیت او بکوشند، و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد، و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت. نظیر این مورد مودت و رحمتی است که در جامعه بزرگ شهری، و در میان افراد جامعه مشاهده می‌شود، یکی از افراد وقتی هم شهری خود را می‌بیند، با او انس می‌گیرد، و احساس محبت می‌کند، و به مسکینان و ناتوانان اهل شهر خود که نمی‌توانند به واجبات زندگی خود قیام کنند، ترحم می‌نماید. و به طوری که از سیاق برمی‌آید مراد از "مودت و رحمت" در آیه همان مودت و رحمت خانوادگی است، هر چند که اطلاق آیه شامل دومی نیز می‌شود.^۱ هم چنان که در قرآن فرموده: (إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ)^۲. پس معنای آیه چنین می‌شود که: ما در دنیا نسبت به خانواده خود اشفاق داشتیم، هم آنان را دوست می‌داشتیم و به سعادت و نجاتشان از مهالک و ضلالت‌ها عنایت داشتیم، و هم از اینکه مبدا رفتار مهالک شوند می‌ترسیدیم، و به همین منظور به بهترین وجهی با آنان معاشرت می‌کردیم، و نصیحت و دعوت به سوی حق را از ایشان دریغ نمی‌داشتیم.^۳

نتیجه گیری

انسانیت فرزند درگرو تربیت یافتن مادر است. فرزند امانتی ازسوی خداوند در دست والدین است که باید کوشیده شود تا با تربیت صحیح، این امانت را به خوبی به صاحبش بازگرداند. آشنایی با تربیت یکی از حیاتی ترین نیاز بشر است، کسی که تربیت نیافته نه تنها خود را تلف کرده بلکه از لحاظ اجتماعی زیان عظیمی از او متوجه مردم دیگر خواهد شد. تربیت واقعی یعنی پرورش دادن، شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعدادهای درونی در جهت کمالاتی که خداوند آن را هدف از خلقت انسان معرفی کرده است. از این رو والدین به خصوص مادر نقش تربیت فرزندان را دارا هستند و الگوی رفتار کودک به شمار می آیند و دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آن جا تربیت می شود، آنچه که بچه از مادری شنود غیر از آن چیزی است که از معلم و یا دیگران می شنود. خانواده که نهادی مقدس و هسته نخستین جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق، سنت و عواطف از نسلی به نسل دیگر است و ثمره این نهاد فرزند است. تربیت بدون پشتوانه معنوی نیز نمی‌تواند ضربات شکننده غرایز را دفع کند، و کسانی که حصاری از معنویات ندارند، خیلی زود زیر فشار تمایلات

۱. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص: ۲۵۰

۲. مفردات راغب، ماده "شفق".

۳. طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص: ۲۱

سقوط می‌کنند، زیرا نیروی چنین تربیتی آن‌چنان راسخ و پایدار نیست که بتواند در همه حال، شخص را برخلاف مجرای انگیزه‌هایش به پیش براند. اخلاق فردی مادر از جمله؛ ایمان و تقوا، نظم و آراستگی، عفاف و پاکدامنی، صبر و استقامت تاثیر بسزایی در تربیت دینی و اصلاح جامعه دارد همانطور که اخلاق اجتماعی مادر مانند: تکریم و احترام، مسولیت پذیری و خوش خلقی از اساس تربیتی او بشمار می‌آید و بدون آنها امکان تحقق تربیت و اصلاح وجود ندارد.

راهکارهای پیشنهادی: برای تربیت دینی و اصلاح جامعه توسط مادران به نظر می‌رسد راهکارهایی ذیل مفید واقع شوند:

۱. مشارکت دادن و همراهی کردن فرزندان در اماکن مذهبی و علمی .
۲. نظارت کردن بر رفتارهای فرزندان در فضای مجازی و حقیقی .
۳. مراقبت و مشورت دهی در روابط اجتماعی فرزندان برای دوست یابی .
۴. ارتباط دوستانه با فرزندان تا در بروز هر مشکلی به راحتی بتوانند با آنها درد دل کنند .
۵. اصلاح اخلاق فردی و اجتماعی مادر و دعوت کردن فرزندان به کارهای نیک در عمل .
۶. تمرین دادن فرزندان در روابط اجتماعی با صله ارحام و نزدیکان .

فهرست منابع

۱. قرآن کریم ،
۲. نهج البلاغه ،
۳. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، زاهد کیست؟ وظیفه اش چیست؟، ۱جلد، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم (ع)، انتشارات نورالسجاد - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۴۲۹ ه.ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال شیخ صدوق (ترجمه کمره‌ای)، ۲جلد، کتابچی - ایران - تهران، چاپ: ۸، ۱۳۷۷ ه.ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع / ترجمه مسترحمی - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۶۶ ش.

۶. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ۱۸ جلد، لطفی - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۴۰۴ ه.ق.
۷. بهشتی، احمد، تربیت از دیدگاه اسلام، ۱ جلد، دفتر نشر پیام - ایران - قم، چاپ: ۱.
۸. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، ۱ جلد، علمیه اسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۴۱۳ ه.ق.
۹. شیخ الرئيس ابن سینا، الحدود، تعداد جلد: ۱، ناشر: الهيئة المصرية.
۱۰. انصاریان، حسین، لقمان حکیم، ۱ جلد، ام ابیها - ایران - قم، چاپ: ۴، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۱. خلجی، محمدتقی، اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه)، ۲ جلد، پرتو خورشید - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۲. سبحانی تبریزی، جعفر، سیمای انسان کامل در قرآن، ۱ جلد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات - ایران - قم، چاپ: ۶، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۳. مظاهری، حسین، سیر و سلوک (توبه)، ۱ جلد، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیها السلام) - ایران - اصفهان، چاپ: ۱، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۴. ابن میثم، میثم بن علی، شرح بر صد کلمه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام (ترجمه)، ۱ جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ: ۲، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ترجمه وسائل الشیعة (کتاب جهاد النفس)، ۱ جلد، ناس - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۴ ه.ش.
۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ترجمه بحار الأنوار (موسوی همدانی)، ۲ جلد، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج) - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۷. صدر، رضا، استقامت، ۱ جلد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات - ایران - قم، چاپ: ۲، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، ترجمه شریف کتاب مکارم الأخلاق (ترجمه میرباقری)، ۲ جلد، فراهانی - ایران - تهران، چاپ: ۲، ۱۳۶۵ ه.ش.

۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، ۴جلد، دریا - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۰. موسوی لاری، مجتبی، رسالت اخلاق در تکامل انسان، ۱جلد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات - ایران - قم، چاپ: ۴، ۱۳۷۶ ه.ش.
۲۱. کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان، سیری در سپهر اخلاق، ۲جلد، صحیفه خرد - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۹ ه.ش.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ترجمه بحار الأنوار (موسوی همدانی)، ۲جلد، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج) - ایران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۳ ه.ش.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲۴. سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۳ ش.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۴، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، عیون الأخبار، ۴جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.